



عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر دوستدار کودک در منطقه‌ی چهار شهرداری تهران

عباس پیچک^۱

شماره ۳۳،

دوره چهاردهم،

سال ششم،

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۱۵

چکیده

هدف از این پژوهش یافتن عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر دوستدار کودک در منطقه‌ی چهار شهرداری تهران است. جامعه آماری پژوهش کلیه خانواده‌های کودکان ناحیه چهار شهر تهران است. بنابراین ۱۰۰ خانواده کودک به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از آنجایی که در پژوهش حاضر فهرستی از کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش در دسترس خواهد بود، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده خواهد شد. متغیرهای اندازه‌گیری شده در پژوهش حاضر عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرداری‌های دوستدار کودک در چهار شهرداری تهران می‌باشند. برای سنجش هر یک از این متغیرها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده در این مطالعه در یک مطالعه مقدماتی با توزیع ۲۰ پرسشنامه ۰,۹۵,۴ به دست آمد. بنابراین پایایی پرسشنامه بسیار مطلوب ارزیابی می‌شود. شاخص‌های این پژوهش شامل دید دوستدار کودک در خدمات اجتماعی و فضاهای شهری منطبق با خواست و نیاز کودک، نقش‌های جدید مسئولان، ایجاد ذهنیت دوستانه بودن با کودک در شهروندان، تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان و دید علمی و جدید به کودکی است. در این پژوهش متغیر وابسته شکل‌گیری شهر دوستدار طبیعت و متغیرهای مستقل دید دوستدار کودک در خدمات اجتماعی و فضاهای شهری منطبق با خواست و نیاز کودک، نقش‌های جدید مسئولان، ایجاد ذهنیت دوستانه بودن با کودک در شهروندان، تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان و دید علمی و جدید به کودکی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از روش پیمایشی و پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شد و سپس با استفاده از جداول توصیفی و جدول فراوانی و آزمون فریدمن به این نتیجه رسیدیم که تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان از مهم‌ترین عوامل می‌باشد.

کلیدواژگان: شهر دوستدار کودک، منطقه ۴، شهرداری تهران، مدیریت فضای کودک

^۱ دانش آموخته دوره کارشناس ارشد رشته مدیریت گرایش مدیریت شهری



محیط‌های شهری فضای زندگی همه شهروندان است و از این رو باید بتواند همه افراد، سن و رفتارهای اجتماعی را بپذیرد و نیازها و خدمات رفاهی مرتبط با آن‌ها را ارائه دهد (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹). کودکان در کشور ما جمعیت زیادی دارند، آن‌ها به‌عنوان سرمایه‌های آینده و رابط بین نسل‌های گذشته و آینده در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و نقش مهمی در انتقال سنت‌ها، فرهنگ‌ها و هویت هر جامعه ایفا می‌کنند. بر این اساس، کودکان و نیازهای آن‌ها در محیط شهری، آموزش، تحصیل، رشد و تفریح می‌تواند تأثیر زیادی در آینده آن‌ها داشته باشد. همچنین از آنجایی که کودکان آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند و نیاز به مراقبت و حساسیت بیشتری دارند، بنابراین ایجاد محیطی مناسب و هماهنگ با نیازهای کودکان یکی از مهم‌ترین مواردی است که طراحان و برنامه‌ریزان هر شهر و جامعه‌ای باید به آن توجه کنند. در قرن بیستم در طول توسعه و برنامه‌ریزی شهری فعال، توجه بیشتری به نیازهای ویژه کودکان در مناطق شهری شد. در بسیاری از موارد در شهرسازی مدرن، شهرها بر اساس آنچه کودکان در ذهن دارند طراحی نمی‌شوند. صرف‌نظر از نیازها و خواسته‌های کودکان، شهرها می‌توانند ذهن کنجکاو آن‌ها را محدود کنند، فرصت‌های یادگیری را کاهش دهند، رفتارهای کمتر فعال را تشویق کنند، و جوانان را به ماندن طولانی‌تر در خانه تشویق کنند، که ممکن است به این دلیل باشد که شهرها محیط‌های غیر جذابی هستند، زیرا در معرض خطر هستند یا کودکان در مناطقی زندگی می‌کنند که احساس امنیت نمی‌کنند. واقعیت اساسی یک شهر دوستدار کودک این است که کودکان به‌عنوان اعضای ارزشمند جامعه نقش مهمی در جوامع خود ایفا می‌کنند. ابتکار شهر دوستدار کودک، کودکان را در خط مقدم تصمیم‌گیری قرار می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا صدای آن‌ها را بشنوند.

پایه و اساس «شهر دوستدار کودک» ایجاد فرصت‌هایی برای کودکان برای شکل دادن و تغییر محیط اطراف، اعطای شهروندی به کودکان، توسعه آگاهی، افزایش مشارکت جمعی، کاهش خشونت علیه کودکان، توجه به مسائل زیست‌محیطی و غیره سلامت عمومی و کیفیت زندگی کودکان را ارتقا می‌دهد. در سیاست‌ها و اهداف راهبردی شهرها، سلامت، شادی، رشد، رفاه و ایمنی کودکان در اولویت قرار گرفته و راه‌های مشارکت آنان در سیاست‌ها و ابتکارات مدنی مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی ترویج می‌شود. مشارکت کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی شهری در بسیاری از شهرها به‌طور فزاینده‌ای محبوب و فراگیر شده است. حتی برخی از شهرها از ایده‌های کودکان در مورد برنامه‌ها و سیاست‌ها استفاده کرده‌اند و یونیسف این شکل از مشارکت کودکان را به‌عنوان بهترین راه برای ساختن شهرهای دوستدار کودک و پایدارتر ترویج می‌کند. به این ترتیب امید است با ابتکار شهر دوستدار کودک در شهر تهران، این شهر به محلی برای تعالی و حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان و راهنمای آینده تبدیل شود. که بهترین محیط ممکن برای تجربه، یادگیری، کاوش و احساس امنیت است. بررسی‌های انجام‌شده در زمینه شهرهای دوستدار کودک نشان می‌دهد که اهداف و ویژگی‌های متفاوتی برای این‌گونه شهرها وجود دارد و با ایجاد فرصت مشارکت برابر برای کودکان، نحوه آگاهی و حساسیت نسبت به حقوق خود را به آن‌ها آموزش می‌دهد (دمیرکس، ۲۰۱۹: ۱۳). گرچه کنوانسیون حقوق کودک معیارهای اساسی را به‌عنوان حقوق کودک تعیین می‌کند، پیش‌فرض‌های نظری مختلف در عمل منجر به برنامه‌های متمایز و حتی متضاد می‌شود. به‌عنوان مثال، مفروضات روانشناسی رشد پیاز، به‌عنوان رویکرد غالب در آموزش کودکان، رشد را برحسب مراحل رشد درک زمان، مکان و علیت فرموله می‌کند و بنابراین



فرآیند رشد استاندارد را دستیابی به یک سیستم شناختی معین در بزرگسالی می‌داند. علاوه بر این، مفروضات جامعه‌شناسی کارکردگرا، به‌عنوان یکی دیگر از رویکردهای نظری غالب، دوران کودکی را دوره‌ای می‌داند که در طی آن کودکان باید به بزرگسالانی مولد برای جامعه تبدیل شوند. این دو رویکرد در کنار هم نوعی ادراک دوران کودکی را به وجود آورده‌اند که در آن کودک باید طی فرآیندی استاندارد یعنی «جامعه‌پذیری» به موجودی مؤثر برای جامعه تبدیل شود. طبیعی است که یکی از ملزومات عملی شدن چنین رویکردی، محدود کردن عرصه زندگی و تجربه کودکان به حوزه‌ای است که برای رسیدن به اهداف موردنیاز است. لذا برحسب آنچه تبیین گردید، در این پژوهش سعی شده است ویژگی‌ها، شاخص‌ها و پیامدهای کودکان منطقه ۴ تهران و دیدگاه کودکان در آن منطقه موردبررسی قرار گیرد.

تعریف کودک

یکی از مواردی که می‌تواند اصول را توجیه کند، موضوع را تحلیل کند و راه‌حل‌های پیشنهادی را ارائه دهد، تعریف کودک است. طبق تعریف فرهنگ معین فارسی، کودک به معنای صغیر، طفل و کودکی است که به سن بلوغ (پسر یا دختر) نرسیده است (معین، ۱۳۸۲، ۳۱۱۷). طبق تعاریف قانونی جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۶۰، سن بلوغ را برای پسر پانزده سال و برای دختر نه سال قمری ذکر کرده است (منصور، ۱۳۸۷: ۳۱۲). ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسیده است که کودک را فردی در سنین پایین‌تر می‌داند. باید کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، مگر اینکه کودک در سن بلوغ زیر سن قانونی باشد (یونیسف، ۱۳۹۶: ۳). طبق گزارش مرکز آمار ایران، کودک به افرادی گفته می‌شود که اجازه کار ندارند که در این تعریف حداکثر سن کودک ۱۵ سال شمسی است (شیعه ۱۳۹۵: ۱۴). درنهایت، طبق تعاریف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران، منظور کودکان زیر ۱۵ سال و نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال است. (عمادی، ۱۴۰۰). لازم به ذکر است که با توجه به گستردگی مطالعات مربوط به گروه‌های سنی مختلف، ملاک ما در این تحقیق کودکان ۲ تا ۶ ساله است که به دلیل حساسیت این سن در شکل‌گیری شخصیت می‌باشد.

پیشینه پژوهش

تعریف‌های جدید از «شهر دوستدار کودک» یعنی شهری بر اساس علمی دوستانه بودن با کودک و نیازها و رشد او باشد و مکانی باشد برای اجتماعی با درک قوی که کودک در آن ابتدا بتواند حس تعلق را بالا ببرد و وجودی کارآمدتر و بهتر در آینده‌ی نزدیک برای همان اجتماع باشد (یونیسف، ۲۰۱۵: ۲۸). در همین ارتباط خشایار عمادی (۱۴۰۰) در تحقیق مربوط به پایان‌نامه خود "طراحی شهری به‌منظور ایجاد محیط شهری دوستدار کودک در سپاهان شهر اصفهان" در قالب مطالعات تجربی در سه محله و منطقه سپاهان شهر، جلفا و جوباره به بررسی اصول و نکات محیط مساعد و نامطلوب برای کودکان و ارائه راهنمای طراحی شهری برای طراحی محیط دوستدار کودک پرداختند. در نتیجه محصول این پژوهش در دودسته ارائه شد: یکی راهنمای طراحی شهری برای ایجاد شهری دوستدار کودک و دیگری چارچوب شاخص‌های جدید حاصل از این تحقیق. همچنین مهسا ترابی (۱۴۰۰) در تحقیق خود در رابطه با پایان‌نامه خود با عنوان "طراحی شهر دوستدار کودک با تأکید بر گروه سنی نوجوانان محله شهرآرا" به سن ۶ تا ۱۵ سال



پرداخته و عوامل فیزیکی و غیر فیزیکی و پس از آن را بررسی کرده است. تجزیه و تحلیل نتایج معیارها و توسعه راهبردهای طراحی محله دوستدار کودک. ابوالفضل کربلایی حسینی. جمال‌الدین سهیلی در سال ۱۳۹۳ در تحقیق خود با عنوان "بررسی ویژگی‌های شهر دوستدار کودک" در دو شهرداری قزوین از طریق پرسشنامه و نقاشی و مقاله و مصاحبه با ۱۳۰ کودک در گام اول اطلاعات جامعی در مورد مکان‌های دیدنی ارائه کرد. مکان‌های دیدنی کودکان در مرحله بعد به بررسی و استخراج ویژگی‌های شهر دوستدار کودک پرداخت.

ویژگی‌های کودک

-با توجه به آنچه در مورد روند رشد گفته شد، کودکان در این گروه سنی به‌طور خلاصه دارای ویژگی‌های زیر هستند که همه جنبه‌های رشد جسمی- حرکتی، شناختی و عاطفی را خلاصه می‌کند:

- تمایل به خودمحوری دارند و اساساً همه‌چیز را از دید خود می‌بینند.

آن‌ها تمایل به یادگیری از طریق اشیاء واقعی و عینی و تجربیات دست‌اول دارند، زیرا توانایی آن‌ها برای تفکر انتزاعی و استدلال هنوز رشد نکرده است. بنابراین از طریق بازی و فعالیت بهتر یاد می‌گیرند.

آن‌ها کوتاه‌بین هستند، یعنی توانایی تمرکز و توجه به فعالیت‌های طولانی‌مدت را ندارند. دامنه توجه آن‌ها در هر بازه زمانی حدود ۷ تا ۱۵ دقیقه است که برای فعالیت‌های جسمی و ذهنی مانند قصه‌گویی، ساخت‌وساز، بازی با شن و مانند آن مناسب است.

- کنجکاو، خودجوش و مشتاق یادگیری و پاسخ دادن به چیزهای جدید باعلاقه. آن‌ها هنوز به فعالیت‌های گروهی عادت نکرده‌اند، بنابراین از فعالیت‌های گروهی کوچک بیشتر سود می‌برند.

آن‌ها نمی‌توانند برای مدت طولانی بی‌حرکت بنشینند زیرا در این سن نیاز درونی به تحرک و فعالیت بدنی وجود دارد.

- از تکرار، به‌خصوص داستان‌ها و شعرها لذت ببرید.

- به موسیقی و اشعار وزن و قافیه‌دار به‌طور طبیعی و مهربانانه پاسخ دهید.

البته اگرچه در هر گروه سنی ویژگی‌های مشترکی وجود دارد، اما در کودکان هم از نظر میزان رشد و هم از نظر قابلیت‌ها و توانایی‌هایشان تفاوت‌های فردی وجود دارد. کودکان ۳-۶ ساله نیز از بسیاری جهات متفاوت هستند. (عمادی، ۱۴۰۰).

۲-۴- کودک و نیازهای اجتماعی

اگرچه شرایط خلاقیت انسان مانند یک بوم، شرایط زندگی او را طبیعی کرده است، اما دو جنبه‌ای که برای ادامه حیات او بر روی زمین ضروری است، امکان بقای انسان را توجیه می‌کند. این دو جنبه، یکی نیاز طبیعی انسان و دیگری نیازی است که از نظر اجتماعی با او مرتبط است. چنانکه از نظر طبیعت و علم، باوجود مهیا بودن شرایط در انسان، نیاز به نفس کشیدن، خوابیدن و غذا خوردن از ملزومات جریان کار زندگی طبیعی اوست. بنابراین باید هوای تنفس، مکانی راحت برای خواب و غذای سالم برای خوردن داشته باشد. به همین ترتیب انسان برای رفع نیازهای اجتماعی خود دارای الزاماتی است. شرایط طبیعی مانند پرندگی است که از نظر خلق و خوی همه امکانات را برای او دارد و نیازهای اجتماعی پرواز این پرنده و حدود نحوه پریدن را تأمین می‌کند.



- نیازهای اولیه کودک در دسترس است. تنها نکته مهم این است که همیشه شرایط مناسب برای رشد کودک در یک مکان کامل نمی‌شود. از یک سو انسان با دست‌درازی به طبیعت و صرف هزینه‌های فراوان به آزمایشگاه انسان رسیده است. از طرفی شرایط زندگی لازم را برای کودکان در نقاط مختلف دنیا با تفاوت‌های فراوان ایجاد کرده‌اند. صرف نظر از نیازهای اجتماعی انسان که کودک نیز بخشی از آن است، مهم‌ترین نیازهای کودک به شرح زیر است:

- مراقب جسمانی که نیاز به خانه یا سرپناه مناسب، غذا، استراحت و سلامتی دارد.
- حمایتی که شامل امنیت و محافظت در برابر سوءاستفاده و آسیب فیزیکی می‌شود.
- امنیت، مراقبت، حمایت و نظارت بر حال او که باید با رفتار مقبول اجتماعی و در موقعیتی منسجم وجود داشته باشد.

- محبت، مهربانی و احترامی که کودک بتواند در برابر استرس احساس راحتی کند و با مهربانی از او مراقبت شود. زمانی که کودکی در خانواده از نظر نیازهای فوق برآورده نمی‌شود، وظیفه مسئولان آموزشی و محلی است که از فرزندان در برابر این شرایط محافظت کنند (آزموده، ۱۳۸۹).

نیاز کودک به اجتماع در سه فضا قابل برآورده شدن است. این سه فضا شامل فضای خانوادگی، فضای آموزشی و فضای عمومی است. فضای عمومی شهر برای کودک را می‌توان در قالب فضاهای مختلف شهر تصور کرد. فضای عمومی و محله‌ای، فضای بازی و اجتماعی، مراکز اجتماعی مرتبط با امور فرهنگی و تربیت کودک مانند کتابخانه‌ها، مراکز مذهبی، سالن اجتماعات، موزه‌ها، فرهنگسراها، سینماها و تئاترها، سالن‌های ورزشی، خیابان‌ها و معابر عمومی از مناطقی که در آن‌ها با فرزندان علاوه بر خانه و مدرسه ارتباط برقرار می‌کنید (احدی و بنی جمال، ۱۳۹۴).

کودک و زندگی جمعی در شهر

روزی روزگاری انسان‌ها در مراکز زیستی پراکنده زندگی می‌کردند. تعداد مراکز روستایی کوچک و بزرگ و سکونتگاه‌های مختلف موجود نیز نشانه‌ای از این زندگی کم‌جمعیت است. تحولات دو قرن اخیر در جهان که به انقلاب صنعتی معروف است به دلیل نیازهای آن در تأمین نیروی کار، تمرکز سرمایه، تنوع مشاغل، گسترش وسایل ارتباط جمعی و رواج روابط اقتصادی است. همچنین تمرکز جمعیت و پیدایش شهرهای بزرگ، کلان‌شهرها، و شهرهای جهان به واقعیت تبدیل شده است. در چنین شرایطی، بشر به مدد همان تحولات صنعتی که امکان گسترش دامنه و رشد شهرها را فراهم کرده است و به موازات تأثیر انواع محصولات صنعتی، جمعیتی آماده در قالب زنان و مردان را به و پیر و جوان به وجود آورده است (دریسکل، ۱۳۸۷). این دوره شاهد تغییرات اجتماعی دیگری در ساختار و شرایط خانواده شهری بوده است. در شهرهای بزرگ، خانواده‌ها تمایل به زندگی تک‌هسته‌ای را به خانواده‌های جمعی بزرگ ترجیح داده‌اند. بنابراین، مناطق مسکونی در متراژهای کوچک‌تر و انواع مختلف آپارتمان پیشنهاد می‌شود. نیاز به کار در شهرها جمعیت را آماده می‌کند و حتی بسیاری از کارگران را به مشاغل دوم و سوم سوق می‌دهد تا درآمدی بیش از ساعات قابل قبول روزانه داشته باشند. بیشتر وقت والدین در مراکز کار می‌گذرد. آن‌ها از کار روزمره خود خسته شده‌اند و تحت تأثیر هیاهوی شهر قرار می‌گیرند و احتمالاً از فشارها و اتفاقات ناخوشایندی که در شهرهای بزرگ رخ می‌دهد مانند تصادف، دعوا، صدای بلند، آلودگی هوا و مواردی از این دست برانگیخته می‌شوند. در صورت عدم نیاز به تهیه مایحتاج اولیه، مراجعه به پزشک و درمان، تعمیر خودرو یا موارد مشابه، در پایان روز به



واحدهای مسکونی مراجعه می‌کنند. در مقابل آن‌ها دو گروه از اقوام تقسیم می‌شوند. یکی کودکانی که دور از والدین خود منتظر دیده شدن هستند و دیگری سالمندانی که به مرور زمان نیاز به درمان و مراقبت بیشتری دارند (داگلاس، ۱۳۹۴).

کودکان در این زندگی جمعی در واحدهای مسکونی، اغلب کوچک، سرگرمی ندارند جز تلویزیون بازی با خواهر و برادر یا فرزندان همسایه و گاه کتاب خواندن در سروصدای ناشی از تراکم تاریک ساختمان و به هم ریختگی فضای خانه (حتی با کار نکردن مادر و خانه آن‌ها همچنان به تفریح، استراحت و اوقات فراغت سالم نیاز دارند) با کارکنان خسته‌ای روبرو می‌شوند که برای استراحت به خانه می‌آیند و توانایی محبت با فرزندان خود را از دست داده‌اند. این پرونده یکروی سکه و روی دیگر آن به کودکانی اختصاص دارد که برخی از آن‌ها گرفتار سوء تفاهم والدین و طلاق آن‌ها شده‌اند. برخی خود را نیروی کار معرفی می‌کنند و برخی در اثر محیطی که بر آن‌ها حاکم است شاهد انواع سختی‌ها هستند. برخی در وضعیت نامناسب مسکن که نشان می‌دهد خانواده جذب چرخه اقتصادی شهر نمی‌شوند و برخی نیز با بیماری‌های جسمی و معلولیت دست و پنجه نرم می‌کنند. شدت فشار بر این نوع کودکان بیشتر از سایر کودکان و در شهرها بیشتر از روستاها است. زیرا در روستاها گرچه مشکلاتی از این دست و بعضاً وسیع‌تر از آن وجود دارد، اما والدین همیشه همراه فرزندان هستند. در شهرهای پرجمعیت، اگر نیازهای اولیه کودک در انتظار یک زندگی سالم اجتماعی برآورده نشود، شکنندگی آن‌ها افزایش می‌یابد و خلأ ناشی از دوری والدینی که روزها از فرزندان خود دور هستند، تشدید می‌شود (بلتسیک، ۱۳۹۶).

شهرهای بزرگ مسائلی دارند که بسیار گسترده‌تر از روستاها و شهرهای کوچک است. زندگی جمعی در شهرهای بزرگ ضروریات خود را دارد. اگر کودکان محیط سالمی فراتر از خانه و مدرسه پیدا نکنند که مهم‌ترین نقش را در مسائل تربیتی و اخلاقی ایفا کند، ممکن است گمراه شوند زیرا محیط فضای بازتری برای مسائل تربیتی دارد. رسیدن به مقتضیات زندگی جمعی رویکرد ویژه‌ای می‌طلبد و قوانین خاص خود را دارد. مطالعات نشان می‌دهد که ساکنان شهری به مراتب بیشتر از ساکنان روستایی از سوء تغذیه و بیماری‌های روانی رنج می‌برند. ویرانی اجتماعی جوامع شهری امروزی در حال افزایش است. از این رو، سلامت انسان‌ها ایجاب می‌کند که برای ایمن‌سازی زندگی شهری تلاش همه جانبه‌ای صورت گیرد. برای یافتن راهی برای بهبود شرایط اجتماعی کودکان در زندگی جمعی شهرها و افزایش توانایی اجتماعی آن‌ها، ابتدا باید به فکر رشد و تکامل در کنار سلامت کودک باشید. سپس با تحکیم خانواده‌ها به عنوان مریبان اصلی فرزندان، زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم کرد. ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و تغذیه از یک سو و ایجاد پیوند بین کودکان و خانواده‌ها یا سازمان‌هایی که خدمات اجتماعی لازم را ارائه می‌کنند ضروری است (یونیسف، ۱۳۹۰؛ ۵۱). توجه به موارد فوق در زندگی جمعی شهر، کودکان را از آسیب‌های طبیعی ناشی از عمل انسان مصون می‌دارد. سطح دیگری از خطرات کودک در زندگی جمعی شهرهای بزرگ برای تقویت بنیان و ساختار خانواده، کاهش آسیب‌های اجتماعی، نحوه برخورد اجتماعی و فرهنگی با کودک، کاهش عوامل مخرب مؤثر بر او و نظارت بر جنبه‌های منفی تربیتی آن‌ها برمی‌گردند تا به زندگی جمعی شهر بپردازند (ایزدپناه جهرمی، ۱۳۸۳).

کودکان در فضاهای شهری با افراد مختلف هم سن و افراد مختلف که از نظر فرهنگی و اجتماعی متنوع هستند در تماس هستند. راه خانه و مدرسه از چنین فضاهایی می‌گذرد و بیشتر اوقات فراغت آن‌ها در این فضاها می‌گذرد. در چنین فضاهایی اگر کودکان به درستی هدایت و نظارت نشوند، محدودیتی برای یادگیری آنچه در این فضاها می‌گذرد



ندارند. اگر فضای شهری نقش هدایتگر درستی داشته باشد، کودک به اندازه خودش یاد می‌گیرد و این فضاها نقش مخربی دارند و زحمات آموزشی را هدر می‌دهند. از این نظر چنین فضاهایی به عنوان زبان گفتاری شهر به شمار می‌روند و مهم‌ترین عامل ارتباطی شهر با همه اقشار به شمار می‌روند (پیام یونسکو، آبان ۱۳۹۱؛ ۳۱).

گرایش‌ها و الزامات شکل‌گیری شهر دوستدار کودک

با توجه به تعریف گسترده از کودک، باید توجه داشت که بر اساس سطح توانایی و متناسب با دوره‌های مختلف زندگی کودکان، بنابراین نیازها و خواسته‌های خاصی برای آن‌ها شکل می‌گیرد. کودکان در محدوده سنی هجده سال، کودکی، نوزادی و نوجوانی طبقه‌بندی می‌شوند. اما در تعاریف فضا و شهر، کودک انسان دارای شخصیت و هویت است، با شرایط فردی و اجتماعی که شخصیت و هویت او در خانه، فضای شهری و فضای عمومی شکل می‌گیرد (رستگار، ۱۳۸۷). با توجه به الزامات پیش روی کودک (افراد زیر ۱۸ سال) زمینه‌های مناسب فعالیت آن‌ها شکل گرفته و حق حضور و بهره‌مندی از فضای شهری برای آن‌ها رعایت شود. این الزامات به هشت حوزه از فصل‌های مشترک کودک و شهر می‌پردازد:

- جمعیت‌شناسی: کودکان با نسبت جمعیتی ۳۰ درصد از جمعیت جهان، کمترین تأثیر را در شکل‌دهی به ابعاد محیط خود دارند و کمترین سهم را از توجه برنامه ریزان و طراحان شهری به خود اختصاص داده‌اند.
- اجتماعی: کودکان به عنوان بازیگران اصلی جامعه به دلیل نیاز به بازی و کشف محیط، بیشترین ارتباط را با محیط، بدن و جامعه شهری برقرار می‌کنند.
- اقتصادی: پرداخت نکردن شهروندی آن‌ها در دوران کودکی هزینه‌های بیشتری را در بزرگسالی به شهر تحمیل می‌کند.
- انسانیت: آسیب‌پذیری و وابستگی آن‌ها به بزرگسالان برای رشد و نمو نشان‌دهنده اهمیت توجه به آن‌هاست.
- کالبدی: محیط‌های مصنوعی کنونی ما نیازها، سلیقه‌ها، احساسات و ترس‌های کودکان را در شکل دادن به فضاها و فضاها در نظر نمی‌گیرند و در فرآیند عینیت بخشیدن به شهرها، دیدگاه‌ها، نیازها و خواسته‌های کودکان را رها کرده‌اند.
- حقوق شهروندی: کودکان امروز، شهروندان فردا هستند که حق برخورداری و مطالبه فضاهای مناسب در اماکن عمومی و نیمه عمومی را از مسئولان شهری دارند.
- راحتی: یکی از معیارهای کیفیت محیطی مناسب بودن آن برای کودکان است. زیرا در این شرایط علاوه بر تأمین امنیت و آسایش کودکان، آسایش روانی بزرگسالان نیز فراهم خواهد شد.
- اجبار قانونی: بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، اولویت دادن به حقوق کودکان یک تکلیف قانونی است. (خدایی، ۲۰۰۸ و صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران، ۱۳۹۶) پیروی از الزامات توجه به کودکان، شهرهای دوستدار در شکل‌گیری اشیاء کالبدی و مناطق مسکونی - فعالیتی. (رفعیان، ۱۴۰۰).

ماهیت شناسی دوستدار کودک



مفهوم شهر دوستدار کودک^۱ به‌طور کلی به معنای نحوه مدیریت این شهرها توسط دولت بر اساس منافع کودک است و همچنین به شهرهایی اطلاق می‌شود که حقوق اولیه کودک از جمله سلامت، حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ در آن‌ها رعایت می‌شود. این شهرها با تعهد بر اساس تقسیم‌بندی و همه برنامه‌های عملی برای کودکان تعریف می‌شوند. بر این اساس، کودکان به‌عنوان شهروندانی تعریف می‌شوند که حق اظهار نظر دارند. شهر دوستدار کودک نه تنها شهر خوبی برای کودکان است، بلکه شهری است که توسط کودکان ساخته شده است (زندرضوی، ۱۳۸۸). شهر دوستدار کودک شهری است که در آن کودکان در هر سنی باید به‌عنوان شهروندانی معتبر شناخته شوند که می‌توانند در ارتقای کیفیت شهر و روستای خود نقش داشته باشند، مشارکت آن‌ها افزایش یابد، به حرف آن‌ها گوش داده و حسابرسی شود. (اسماعیل‌زاده کواکی، ۱۴۰۰). شهرهای دوستدار کودک، محیط‌های شهری امن و مطمئن هستند که بستر مناسبی برای رشد کودکان در هر سنی هستند. این شهرها زندگی امن را تضمین می‌کنند و دسترسی به خدمات و امکانات اولیه را برای همه فراهم می‌کنند. در این شهرها به کودکانی که با ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه هستند توجه ویژه‌ای شده و هرگونه تبعیض رفع می‌شود (رفیعیان، ۱۴۰۰). شهر دوستدار کودک، اگرچه دارای چشم‌انداز معاهده حقوق کودک و منشور اخلاقی است، فرآیندی است که چندین مرحله را طی می‌کند. اساساً شهر دوستدار کودک به دنبال تضمین تمامی حقوق این شهروندان جوان به شرح زیر است:

- تأثیر تصمیمات در مورد شهر خود
- نظرات خود را در مورد شهر مورد نظرشان توضیح دهند
- مشارکت در زندگی خانوادگی، اجتماعی و اجتماعی
- دسترسی به خدمات اولیه مانند (بهداشت، آموزش و سرپناه، نوشیدن آب سالم و غیره)
- محافظت در برابر خشونت و جنایت
- با خیال راحت در خیابان‌ها قدم بزنید
- با دوستان ملاقات کنید و بازی کنید
- داشتن فضای سبز برای گیاهان و جانوران
- زندگی در محیطی راحت و خلوت
- برای محافظت و حمایت و دوست داشتن
- به‌عنوان یک شهروند برابر با دسترسی به کلیه خدمات بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب یا ناتوانی به رسمیت بشناسید (ریگو، ۲۰۱۲: ۵۱).

دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک

فراخوان شهرهای دوستدار کودک ریشه در این دارد که شهرها خانه‌هایی برای افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. با این حال، بسیاری از شهرهایی که برای کودکان ایمن نیستند، دولت‌هایی دارند که قدم‌های کمی در این راستا برمی‌دارند (یونیسف، ۲۰۱۲: ۹). شهری مناسب برای کودکان که در آن کودکان بتوانند اعتماد به نفس خود را تقویت کنند، به افراد فعال در جامعه تبدیل شوند و بتوانند به‌طور مستقل امور خود را مدیریت کنند. امروزه شهرها برای

^۱ CFC



کودکان بیش از حد خشن هستند و به جرات می‌توان گفت که اگر این محیط‌ها برای کودکان خوشونت‌آمیز است، برای بزرگسالان نیز خوشونت‌آمیز است. هر چه بیشتر محیط را برای کودکان و نوجوانان طراحی کنیم، بیشتر متوجه می‌شویم که محیط خوب برای بزرگسالان، محیط مناسبی برای کودکان و نوجوانان نیز هست (The Center for Sustainable Transportation, 2014: 12). ایجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جوامع کودکان حمایت کند، مستلزم مطالعه طیف وسیعی از مسائل در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است. شهر را نباید تنها محل سکونت گروهی از مردم و مرکز قرارداده دانست، بلکه شامل روحیات، افکار، آداب و رسوم، باورها و احساسات همه مردم است.

ویژگی‌های شهر دوستدار کودک از دید برنامه‌ریزی شهری

شهرهایی که مملو از امکانات و فرصت‌های مختلف هستند را می‌توان موتور محرکه جامعه دانست. دستیابی به نتایج مطلوب برای کودکان نیازمند سیستم‌های پایدار و ایجاد ظرفیت‌های محلی است. این امر با ایجاد محیط‌هایی که مبتنی بر همکاری در سطوح مختلف، عبور از مرزهای ملی و محلی، بخش‌های سنتی و موانع بین گروه‌های اجتماعی است امکان‌پذیر است (کیانی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱). به‌طور کلی، سلامت عمومی و کیفیت زندگی از اهداف شناخته‌شده یک شهر دوستدار کودک است. حوزه‌های مسئولیت برنامه‌ریزی شهری برای سلامت، شادی، رشد و حتی بقای کودکان حیاتی است. عواملی مانند پیش‌بینی و تأمین آب سالم، فاضلاب، جمع‌آوری زباله، هوای پاک، انواع انرژی مصرفی برای پخت‌وپز، گرما و نور، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، احداث مانک‌ها و فضای سبز و ارتقای سکونت انسان (لوشارک، ۱۳۸۹). یکی از اهداف دوستدار کودک استفاده از آگاهی از نیازهای ویژه نوجوانان برای این حوزه‌های برنامه‌ریزی است. یکی از معیارهای یک شهر خوب در این منطقه این است که کودکان و نوجوانان بتوانند با وسایل نقلیه‌ای مانند دوچرخه، ایمن و آزادانه تردد کنند. اما نقش شهرسازی در ایجاد شهری دوستدار کودک را باید در چارچوب عوامل دیگری دید (طالبی و میرمقناتی، ۱۳۸۹). این چارچوب وسیع‌تر از طریق یک سری معیارهای پیش‌بینی‌کننده به دست می‌آید که برای ارزیابی میزان پاسخگویی شهرها به نیازهای کودکان و اطلاع‌رسانی به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران CFC پیشنهاد شده‌اند. بر اساس این معیارها یک شهر دوستدار کودک^۱ شامل موارد زیر است:

۱- محیط‌های فیزیکی که به نیازهای خاص و مسائل بچه‌ها پاسخ می‌دهد مثلاً نواحی عبور ایمن در راه مدرسه، مکان‌های بازی ایمن و واحدهای بهداشتی مناسب کودکان. در واقع همه جنبه‌های مانک‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، سیستم حمل‌ونقل، مدیریت ترافیک، مکان‌های عمومی، تأمین آب، جمع‌آوری فضولات و غیره که شهرها را بیشتر متناسب با کودکان می‌سازد.

۲- اطلاعات، ارتباط و حرکت اجتماعی برای ارتقاء مفهوم دوستدار کودک و افزایش آگاهی نسبت به نیازهای کودکان
۳- روش‌ها برای مشارکت دادن کودکان در ارزیابی و بهبود محیط هم‌جوار و فراهم آوردن امکان ابراز عقیده در فرایندهای تصمیم‌گیری

۴- برنامه‌های عملی با، یا بدون مشارکت کودکان، که می‌خواهد محیط فیزیکی کودکان را بهبود بخشد.

^۱ Child Friendly City



- ۵- آموزش روانشناسی، بروشورها برای گروه‌های هدف مختلف (تصمیم گیران، برنامه‌ریزان، معلمان مدرسه، والدین، بچه‌ها و غیره) که روی محیط فیزیکی کودکان متمرکز است.
- ۶- قوانین، ضوابط و هنجارهای شهرسازی که نیاز بچه‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها را به حساب آورد.
- ۷- مؤسسات شهرداری که روی حقوق بچه‌ها متمرکز می‌باشد.
- ۸- نظارت بر سیستم‌ها برای ارزیابی کیفیت محیط برای بچه‌ها
- ۹- برنامه‌ریزی یا شاخص‌های مؤثر در ارزیابی اثرات فعالیت‌های شهرداری یا جامعه روی کودکان (عمادی، ۱۴۰۰: ۲۴).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه خانواده‌های کودکان ناحیه چهار شهر تهران است. با توجه به حجم جامعه آماری، برای تعیین تعداد نمونه از فرمول زیر استفاده شده است:

$$5q \leq n \leq 15q$$

بنابراین ۱۰۰ خانواده کودک به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از آنجایی که در پژوهش حاضر فهرستی از کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش در دسترس خواهد بود، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده خواهد شد. همچنین در این پژوهش از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات میدانی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه خانواده‌های کودکان ناحیه چهار شهر تهران است. بنابراین ۱۰۰ خانواده کودک به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از آنجایی که در پژوهش حاضر فهرستی از کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش در دسترس خواهد بود، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده خواهد شد. در این مطالعه آلفای بالای ۰,۷ نرخ مناسبی برای پایایی ابزار در نظر گرفته شده است. بنابراین سنجش پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS 18 انجام می‌شود. بنابراین با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه و با کمک نرم‌افزار آماری SPSS، ضریب اطمینان به روش آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود. گفتنی است که گویه‌های پرسشنامه به تفکیک ابعاد به شرح زیر است:

جدول ۱- گویه‌های پرسشنامه

ردیف	ابعاد	شماره سؤالات	شماره سؤال معکوس	تعداد سؤالات
۱	دید دوستدار کودک در خدمات اجتماعی و فضاهاى شهری منطبق با خواست و نیاز کودک	۱-۳	□	۳
۲	تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان	۴-۶	□	۳
۳	ایجاد ذهنیت دوستانه بودن با کودک در شهروندان	۷-۹	□	۳
۴	نقش‌های جدید مسئولان	۱۰-۱۳	□	۴
۵	دید علمی و جدید به کودکی	۱۴-۱۶	□	۳

شایان ذکر است که برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمون‌های توصیفی و استنباطی و از آزمون‌های توصیفی درصد، میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های استنباطی آماره تی، آزمون فریدمن استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش



با استفاده از آمار توصیفی، ویژگی‌های نمونه از نظر متغیرهای جمعیت شناختی بررسی و برای آزمون فرضیه‌ها از آمار استنباطی استفاده می‌شود.

جدول ۲- توزیع فراوانی متغیر سن در نمونه

رده سنی	فراوانی هر طبقه	درصد فراوانی داده‌های هر طبقه	درصد تجمعی
کودکان کمتر از ۵ سال	۱۴	۲۳	۲۳
۵-۱۰ سال	۲۸	۴۷	۷۰/۰
۱۰-۱۵ سال	۱۴	۲۰	۹۰
۱۵ سال به بالا	۴	۱۰	۱۰۰
کل	۶۰	۱۰۰	

جدول ۳- توزیع فراوانی متغیر جنسیت در نمونه

جنسیت	فراوانی هر طبقه	درصد فراوانی داده‌های هر طبقه	درصد تجمعی
پسر	۶۵	۶۵	۶۵
دختر	۳۵	۳۵	۱۰۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۴- توزیع فراوانی متغیر استفاده از وسایل بازی درون مانک‌ها در نمونه

فراوانی هر طبقه	درصد فراوانی داده‌های هر طبقه	درصد تجمعی
بازی می‌کنم	۵۱	۵۱
بازی نمی‌کنم	۴۹	۱۰۰
کل	۱۰۰	

جدول ۵- توزیع فراوانی متغیر نحوه بازی در نمونه

فراوانی هر طبقه	درصد فراوانی داده‌های هر طبقه	درصد تجمعی
به تنهایی در پارک بازی می‌کنم	۵۳	۵۳
در پارک بازی نمی‌کنم	۴۷	۱۰۰
کل	۱۰۰	

جدول ۶- توزیع فراوانی متغیر دسترسی به پارک

فراوانی هر طبقه	درصد فراوانی داده‌های هر طبقه	درصد تجمعی
با وسایل نقلیه به پارک می‌آیم	۷۳	۷۳
پیاده به پارک می‌آیم	۱۷	۱۰۰
کل	۱۰۰	

جمع‌بندی

به‌طور کلی روش انجام پژوهش حاضر توصیفی (غیرآزمایشی) و طرح تحقیق همبستگی تحلیل مسیر است. زیرا در این پژوهش روابط بین متغیرها در قالب مدل علی بررسی می‌شود. متغیرهای اندازه‌گیری شده در پژوهش حاضر عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرداری‌های دوستدار کودک در چهار شهرداری تهران می‌باشند. برای سنجش هر یک از



این متغیرها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در این مطالعه در یک مطالعه مقدماتی با توزیع ۲۰ پرسشنامه ۰,۹۵,۴ به دست آمد. بنابراین پایایی پرسشنامه بسیار مطلوب ارزیابی می شود. شاخص های این پژوهش شامل دید دوستدار کودک در خدمات اجتماعی و فضاهای شهری منطبق با خواست و نیاز کودک، نقش های جدید مسئولان، ایجاد ذهنیت دوستانه بودن با کودک در شهروندان، تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان و دید علمی و جدید به کودکی است. در این پژوهش متغیر وابسته شکل گیری شهر دوستدار طبیعت و متغیرهای مستقل دید دوستدار کودک در خدمات اجتماعی و فضاهای شهری منطبق با خواست و نیاز کودک، نقش های جدید مسئولان، ایجاد ذهنیت دوستانه بودن با کودک در شهروندان، تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان و دید علمی و جدید به کودکی می باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از متغیرهای مورد پژوهش همه متغیرهای مستقل از عوامل مؤثر بر شکل گیری شهر دوستدار طبیعت محسوب می شوند و با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن تسهیل فرایند مشارکت با کودکان توسط مسئولان دارای بیشترین تأثیر می باشد.

نتیجه گیری

فضاهای شهری که موفق به جلب رضایت کودکان می شوند دارای ویژگی هایی هستند که قبلاً در این مقاله به آن اشاره شد. اولین ویژگی از سری ویژگی های شهر دوستدار کودک، دید دوستدار کودک در خدمات اجتماعی و فضاهای شهری با توجه به خواسته و نیاز کودک است. از جمله ویژگی هایی که کودکان برای بازی و تفریح ذکر کرده اند، ایجاد امکانات بیشتر برای بازی و تفریح، تمایز بین امکانات بازی برای کودکان و نوجوانان، ایمنی در محیط بازی، کاهش هزینه ها و مکان مناسب برای نشستن است. بچه ها در مورد بازی و اوقات فراغت صحبت کرده اند. اما آنچه مهم است این است که بچه های مناطق بالا نسبت به بچه های مناطق پایین خواهان امکانات بیشتری برای محیط بازی بودند. و مطالبات آن ها از محیط بازی تا حدودی صعودی بود و این روند صعودی بیشتر در بین دختران محسوس بود. دختران نیز در محیط های بازی بازی های احساسی بیشتری می خواهند، به همین دلیل است که پسران به بازی های فوتبال و بازی های رایانه ای علاقه دارند. برخی از کودکان بر این باورند که باید بین بازی کودکان و نوجوانان تفاوت وجود داشته باشد زیرا عدم تفکیک این دو باعث محرومیت برخی از کودکان از بازی می شود. در شهرهای امروزی به دلایل مختلف از جمله ناامنی، کودکان دیگر نمی توانند در پیاده روها و کوچه ها بازی کنند، بازی در فضاهای باز، امن و متصل به خیابان، طبیعت و شهر برایشان جذابیت بیشتری دارد. در چنین فضاهایی کودکان می توانند با همسالان خود از هر طبقه اجتماعی ارتباط برقرار کنند و در عین حال از مشارکت و حمایت والدین خود برخوردار شوند. برای کودکان بزرگتر، امنیت اجتماعی مهم تر از امنیت فیزیکی است و ویژگی محیط بازی امن توسط اکثر کودکان در مناطق پایین و دختران در مناطق بالا پیشنهاد شده است. نگرانی دیگری که کودکان در مورد فضاهای بازی دارند، هزینه بازی است. این موضوع توسط کودکان نواحی پایین و میانی مطرح شده است. جای مناسب برای نشستن نشانه نگرانی کودکان برای همراهی والدین در حین بازی و همچنین فضای کافی برای نشستن آن هاست.

منابع

آزموده، مجید (۱۳۸۹). "کودک و جایگاه مؤثر او در طراحی شهری"، مجموعه مقالات همایش ملی منظر شهری ۷۸ و ۱۹ آذرماه، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.



احدی، حمید و بنی جمالی، شهلا (۱۳۹۴). روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک). چاپ هشتم، تهران: نشر بنیاد.

ایزدپناه جهرمی، آرزو (۱۳۸۳). کودک، بازی و شهر - فرایند، اصول و معیارهای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای بازی کودکان. چاپ اول، سازمان شهرداری‌های کشور.

بلتسیک، گوهر (۱۳۹۶). معماری مهدکودک، ترجمه محمدرضا ثقفی و صدیقه بصیریان، اصفهان: نشر خاک. ترابی، محمد (۱۴۰۰). طراحی شهر دوستدار کودک (نمونه موردی محله شهرآرا). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.

داگلاس، یلدا (۱۳۹۴). اصلاح رفتار کودکان، ترجمه، سیاوش جمال فر، تهران: فهیم. دریسکل، داوود (۱۳۸۷). ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان: راهنمایی برای مشارکت و پژوهشی مشارکتی، ترجمه: مهرنوش توکلی و نوید سعیدی رضوانی، تهران: دیباچه، چاپ نخست. رستگار، امیر (۱۳۸۷). راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

رفیعیان، مسعود (۱۴۰۰). "شهر دوستدار کودک از ایده تا واقعیت"، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، ج ۵۱، ص ۴۸، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

زند رضوی، سلمان (۱۳۸۸). "ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر دوستدار کودک در بم"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، ش ۳۳، ص ۸۱.

شبیعه، ایلیا (۱۳۹۵). آماده‌سازی شهر برای کودکان، نمونه موردی: تهران، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران: مؤسسه نشر شهر.

طالبی، ژاله و میر مقتدائی، مریم (۱۳۸۹). طراحی معماری کودک (ضوابط پیشنهادی). تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

عمادی، خرم (۱۴۰۰). طراحی شهری به‌منظور ایجاد محیط شهری دوستدار کودک (نمونه موردی طراحی در سپاهان شهر اصفهان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه اصفهان.

کیانی، ا و اسماعیل‌زاده کواکی، ع (۱۳۹۱). "تحلیل و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان: مطالعه موردی قوچان"، فصلنامه‌ی باغ نظر، ش ۲۰، ص ۵۱، تهران.

لوکاشوک، امید (۱۳۸۹). "شهر در خاطرات دوران کودکی"، فصلنامه‌ی جستارهای شهرسازی، ش ۳۴، ص ۱۳۹، تهران.

منصور، منصور (۱۳۸۷). روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.

هوشمند، سپیده (۱۴۰۰). ردپای کودک بر شهر (شهر دوستدار کودک). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معماری گرایش منظر، دانشگاه شهید بهشتی.

یونیسف (۱۳۹۰). وضعیت کودکان جهان در سال ۲۰۰۱، ترجمه حسن پویان و محمد شهاب شمس، صندوق کودکان سازمان ملل متحد - یونیسف، تهران.



یونیسف (۲۰۱۷). "یونیسف پایه‌گذار مشارکت برای احقاق حقوق کودکان و نوجوانان"، فصلنامه‌ی اصلاح و تربیت، ش ۷۱ و ۷۲، ص ۲۱، تهران.

Riggio, E. 2012. *Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child.* Environment&Urbanization. Vol 14 No 2. Page 14.

UNICEF. 2012. *Poverty and exclusion among urban children, Unicef innocenti research centre, florence forthcoming.* Page, 24.

The Center for Sustainable Transportation, 2014

شماره ۳۳،

دوره چهاردهم،

سال ششم،

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۱۵



Effective Factors in the Formation of a Child-Friendly City in the Four Municipalities of Tehran

Abbas Pichak^۱

Abstract

The purpose of this research is to find effective factors in the formation of a child-friendly city in the four municipalities of Tehran. The statistical population of the research is all families of children in Chahar district of Tehran. Therefore, 100 children's families were selected as research samples. Since a list of all participants in the research will be available in the current research, random sampling method will be used. The variables measured in the current research are effective factors in the formation of child-friendly municipalities in four municipalities of Tehran. A researcher-made questionnaire was used to measure each of these variables. Cronbach's alpha coefficient calculated in this study in a preliminary study with the distribution of 20 questionnaires was 0.95.4. Therefore, the reliability of the questionnaire is evaluated very favorably. The indicators of this research include the child-friendly view of social services and urban spaces that match the child's needs and wants, the new roles of officials, creating a child-friendly mindset in citizens, facilitating the process of participation with children by officials, and a new way of looking at children. In this research, the dependent variable of the formation of a nature-friendly city and the independent variables of the child-friendly view of social services and urban spaces that match the child's needs and wants, the new roles of officials, creating a child-friendly mindset in citizens, facilitating the process of participation with children by officials and the view The new reason is childhood. To collect information, a survey method and a researcher-made questionnaire were used, and then, using descriptive tables and frequency tables and Friedman's test, we came to the conclusion that facilitating the process of participation with children by the authorities is one of the most important factors.

Keywords: Child-Friendly City, District 4, Tehran Municipality, Child Space Management

^۱ A graduate of the master's course in the field of management, majoring in urban management